

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۵۵

همراهی



عوامل پایداری ازدواج

صحبت یک عمر

هفته‌نامه‌ای ویژه در رابطه با ازدواج



تابستان ۱۴۰۴

گاهنامه همدم

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

مدیر مسئول: فاطمه قربانی زاده

سر دبیر: امیررضا الهی

هیئت تحریریه: فاطمه سادات سجاد حسینی

طراحی و صفحه آرایی: امیدرضا توفیقی - فاطمه افتخاری

استاد راهنما و ناظر متون: خانم دکتر ناهید یعقوبیان

گاهنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی تابستان ۱۴۰۴ شماره ۵۵

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج



عوامل پایداری ازدواج

آمار بررسی‌شده در مهر ۱۴۰۳ نشون میده که ۹۶ درصد ازدواج‌های دانشجویی پایداری و آمار طلاق تو این نوع ازدواج‌ها کمتر از ۵ درصده! اما چرا خانواده‌هایی که از دل ازدواج دانشجویی شکل می‌گیرن، موندگارترن؟

برای جواب دادن به این سوال، اول باید ببینیم چی باعث پایداری یه ازدواج میشه؟

حتی کلی‌تر از اون، چی باعث میشه یه نفر تو راهی که انتخاب کرده، بمونه و وسطش جا نزنه؟

توی این هفته‌نامه و هفته‌نامه‌ی بعدی، می‌خوایم این عوامل رو بررسی کنیم و ببینیم این ویژگی‌ها تو ازدواج‌های دانشجویی چقدر پررنگه:

۱. واقع بینی

بله، درست خوندی! واقع بینی!

واقع بینی موقع انتخاب همسر، ارتباط مستقیمی با دوام زندگی داره. نه فقط انتخاب همسر، کلاً هر جا آدم واقع بینانه تصمیم بگیره، احتمال پشیمونی اش از اون تصمیم کمتره.

ولی واقع بینی تو انتخاب همسر یعنی چی؟

یعنی اینکه:

اون آدمی که روبه روته و شرایطی که داره، چقدش واقعی یه؟

چقدرشو واقعاً بر حسب شناخته و چقدش ساخته و پرداخته‌ی ذهن خلاق خودته که یه داستان عاشقونه‌ی عجیب و غریب واسه خودش نوشته؟

آره! نویسنده‌ی اون داستان خودتی!

وقتی عاشق میشی، واقع بین بودن خیلی سخته.

پس بهتره قبل اینکه دم به تله بدی و قلبت گیر بیفته، یه دور حسابی تحقیقاتت رو کرده باشی.

ولی اگه کار از کار گذشته، یعنی دلت پریده، پیشنهاد می‌کنم حتماً از یه مشاور باحال، دلسوز و باتجربه کمک‌گیری که اون آدم رو از زاویه‌ای ببینه که تو دیگه نمی‌تونی ببینی.

یادت نره: تو امروز داری واسه فردا تصمیم می‌گیری، پس لازم نیست همه چی رو تنهایی پیش ببری. با کسی که نگاهش تا فردا می‌رسه مشورت کن!

یه نکته‌ی مهم دیگه:





اگه قراره واقع‌بین باشی،
باید از قبل واسه خودت یه
سری معیار مشخص کرده
باشی که بدونی با اون آدم
«چند چندی»!

۲. معیارها

واقع‌بینی خیلی چیز خوبه،
ولی بدون معیار، به درد
نمی‌خوره!

حتی مشاور هم نمی‌تونه
درست بهت کمک کنه
اگه خودت ندونی چی
می‌خوای!

وقتی می‌گیم «معیار»، ذهن همه میره سمت یه لیست طولانی از
ویژگی‌های اخلاقی، اقتصادی، ظاهری، فرهنگی و...

اما اون لیست این قدر درازه که باید بدی چین برات یه آدم
سفارشی تولید کنه!

اینجا دوتا مورد خیلی مهمه:

یکی خودشناسی، یکی واقع‌بینی!

آخه وقتی هنوز خودت رو درست نشناختی، چطور می‌خوای
طرف مقابلت رو انتخاب کنی؟

باید بدونی کی هستی، چی می‌خوای و کجا داری میری، تا بفهمی
کی می‌تونه هم‌مسیرت باشه.

بین هدف نهایت از زندگی چیه؟

اگه بدونی، راحت تر می تونی کسی رو پیدا کنی که باهات هم هدفه و می تونه کنارت رشد کنه و رشدت بده.

معیار باید از دل خودت بیاد، نه از حرف مردم.

بین مرزهاست کجاست؟

چی برات ارزشه؟ چی ضد ارزشه؟

از چی خوشت میاد؟ از چی حالت بد میشه؟

مثلاً اگه تو آدمی هستی که دوست داری زندگی رو چراغ خاموش و دور از چشم بقیه جلو ببری، زندگی کردن با کسی که دائماً نگران حرف مردم، به تراژدی کامل میشه، حتی اگه از دور قشنگ به نظر بیاد!

حالا یه پیشنهادی دارم:

بیا معیارها رو سه دسته کن:

معیارهای درجه یک: چیزایی که اگه طرف نداشته باشه، اصلاً نمی تونی باهاش زندگی کنی، حتی اگه فرشته باشه! این معیارها مثل هوا هستن؛ نباشن، زندگی خفه میشه.

معیارهای درجه دو: چیزایی که

دوست داری باشن، ولی اگه نباشن هم می تونی باهاش کنار بیای.

مثل سنجاق سینه یا کراوات؛
باشه عالیه، نباشه هم کت و شلوار
قابل پوشیدن!

معیارهای درجه سه:



چیزایی که بقیه بهت گفتن، ولی تو از ته دلت نمی‌خوایشون.

چیزایی که با شناختی که

از خودت

پیدا کردی، می‌فهمی فقط سر و صدای

اضافی ان.

این آخریارویادت باشه که فقط به خاطر حرف مردم تو جاده‌ای نری که مقصدش با هدف‌هات زمین تا آسمون فرق داره.

چون حتی اگه به مقصد اون جاده هم بررسی، بازم حس یه آدم گمشده رو داری.

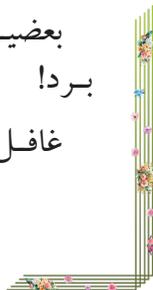
یه گمشده تو ناکجا آباد!

۳. پایبندی به اصول

حالا حتی اگه با واقع‌بینی کامل و معیارهای شفاف هم وارد مسیر شده باشی، اگه از درِ درست وارد نشی، ممکنه به جای پذیرایی، سر از انباری دریاری!

بعضیا فکر می‌کنن میشه بدون رعایت اصول و قواعد، بازی رو برد!

غافل از اینکه این اصول برای اینه که خودت و روانت آسیب





نینه نه برای خالی نبودن عریضه!

اصول انتخاب همسر بر پایه‌ی شناخت درست و انتخاب منطقی و منصفانه ست.

برخی فکر می‌کنن اگه اول خودشون با طرف گپ بزنن و برن دور دور و تو کافه و مهمونی و دایرکت آشناشن، می‌تونن بعد یه مدت، خانواده‌ها رو هم وارد کنن و قضیه رو رسمی کنن.

خدا می‌دونه توی اون چند ماه یا چند سال دور دور و چت و دل‌دادگی قراره به چه شناختی برسن!

واقعاً فکر کردی رابطه‌ای که از اول با احساسات شروع شده، می‌تونه منجر به شناخت درست بشه؟

تو اصلاً کیو می‌خوای بشناسی؟

اون آدمی که باهش کلی خوش گذروندی و چت کردی؟

یا اون کسی که می‌خوای یه عمر کنارش زندگی کنی و باهش بچه‌دار بشی و چالش‌های واقعی زندگی رو بگذرونی؟

واقعاً فکر می‌کنی اون حجم از دوپامین و اکسی‌توسین که توی شروع رابطه توی خونت داره ویراژ میده، میذاره مغزت تصمیم

منطقی بگیره؟

بدتر اینکه بدون اینکه دوبار نشسته باشی پای حرف خانواده‌اش،
می‌خوای بشناسیش؟

فکر کردی اون آدم از خانواده‌اش جداست؟ نخیر، تافته‌ی جدا
بافته نیست!

رفتارش تو جمع خانواده‌اش رو ببین تا بفهمی با کی طرفی.

وقتی اصولی وارد میشی، احساسات از همون اول درگیر نمیشن، و
راحت‌تر می‌تونی با عقل تصمیم بگیری.

ولی اگه بی‌قانون بری جلو، مجبوری معیارهاتو هی قیچی کنی، تا
اندازه‌ی اون آدم بشه!

تازه اگه از اول اصولی بری جلو، همون اول می‌فهمی خانواده‌اش
چندچندن باهات، چی کارن، چه اخلاقی دارن و...

ولی اگه غیر اصولی بری، ممکنه بعد از چند ماه بفهمی باباش
معتاده یا مامانش فلان مشکل اخلاقی داره!



حواست باشه، نگفتم کسی
که خانوادش مشکل داره
نباید ازدواج کنه؛ منظور اینه
که اگه یه چیزی تو اون
خانواده هست که برای تو
خط قرمز، بهتره از همون
اول بدونی.

اون‌جوری توی فضای
منطقی تصمیم می‌گیری، نه
با دل و دل‌دادگی.

اینجوری نه پشیمون می شی، نه بعداً اعتماد
بیتون از بین میره.

یک نکته رو هم دختر خانم‌ها باید در نظر بگیرند
و اونم اینه که اگر مثلاً روشن فکر بازی درآوردی و با
رابطه پیش رفتی آمادگی اینو داشته باش چند وقت دیگه
مجبور بشی شما تقلا و پیگیری کنی برای جدی کردن
رابطه و خلاصه که از شما اصرار بشه و از خانواده آقا پسر
انکار، و همون پسری که پیگیر شما بود تا باهات اوکی بشه
حالا شما پیگیر ایشون باشی تا خانواده اش اوکی بشن.

البته اگه خود خانواده آقا
پسر رو منصرف نکنن!

